

مرکز کنترل درونی و نقش آن در کار آفرینی و موفقیت

تحقیقات نشان می‌دهد ویژگی‌های مشترک قابل تأملی بین کارآفرینان وجود دارد. این ویژگی‌ها، شامل متغیرهای شخصیتی و روان‌شناختی است. شناخت و بازگو کردن این ویژگی‌ها، از آن جهت اهمیت دارد که درک ویژگی‌های کارآفرینان موفق، سبب تشویق و موفقیت احتمالی افرادی که شروع به کارآفرینی می‌کنند یا کارآفرینان بالقوه می‌شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان، اعتقاد به «مرکز کنترل درونی» یا «کانون کنترل» می‌باشد که در این مقاله می‌کوشیم آن را به‌طور خلاصه تبیین و تشریح نماییم.

خود دارند و مطابق همین باورها رفتار می‌کنند. تحقیقات نشان داده آنان در تکالیف خود، عملکرد بهتری دارند، کم‌تر تحت نفوذ دیگران قرار می‌گیرند، برای مهارت‌ها و پیشرفت‌های شخصی خود، ارزش والاتری قائل‌اند و نسبت به گزینه‌های محیطی که می‌توانند برای هدایت رفتار خود از آن‌ها استفاده کنند، هوشیارترند. همچنین بیش از افراد دارای مرکز کنترل بیرونی، برای قبول مسؤلیت کارهای خود آمادگی دارند. تحقیقات مقدماتی، حاکی از آن است که افراد دارای مرکز کنترل درونی، از بهداشت روانی بهتری برخوردارند.

در همین رابطه، اقتصاددانان توسعه معتقدند روابط فرد با محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، از جهات گوناگون متفاوت است. یکی از این جهات، ادراک و تفسیری است که انسان از عوامل خارجی و دنیای مادی که او را احاطه کرده، دارد. بنابراین فعالیت مادی که لازمه توسعه اقتصادی می‌باشد، در صورتی اتفاق می‌افتد که افراد، طالب بالابردن سطح زندگی مادی خویش باشند و رنج کار را بر فقر و تنبلی ترجیح دهند. همچنین اعتقاد داشته باشند که اعمال مشابه در شرایط مساوی بدون دخالت عوامل غیرعقلانی، به نتایج یکسان منجر می‌گردد.

منابع:

- «رفتار سازمانی» «استیفن رابینز»
- «هدف» «برایان تریسی»
- «هفت عادت مردان مؤثر» «استفان کاوی»



حمیدرضا مرادی

کارشناس ارشد مدیریت و مدرس کارآفرینی



مرکز کنترل درونی

عقیده فرد نسبت به این که او تحت کنترل وقایع خارجی یا داخلی است را «مرکز کنترل» می‌نامند. برخی افراد باور دارند که حاکم بر سرنوشت خویش هستند، عده‌ای هم خود را بازبچه‌ی دست سرنوشت می‌دانند و بر این عقیده‌اند که هرچه در زندگی برای‌شان پیش می‌آید، به دلیل شانس و اقبال است. افراد با مرکز کنترل بیرونی، معتقدند که وقایع خارجی و خارج از کنترل آنان، سرنوشت‌شان را تعیین می‌کند، در صورتی که کارآفرینان موفق، به خود ایمان دارند و موفقیت‌ها یا شکست‌ها را به سرنوشت، اقبال یا نیروهای مشابه نسبت نمی‌دهند. به عقیده‌ی آنان، شکست‌ها و پیشرفت‌ها، تحت کنترل و نفوذشان بوده و خود را در نتایج عملکردهای‌شان مؤثر می‌دانند.

«استفان کاوی» در کتاب «هفت عادت مردمان مؤثر» این موضوع را به‌خوبی بیان کرده است. او اساسی‌ترین عادت را «عامل بودن» می‌داند. عامل بودن یعنی مسؤلیت خود را برعهده گرفتن و ملامت نکردن اوضاع و شرایط یا اشخاص. مردمان مؤثر، عامل‌اند یعنی مسؤول‌اند؛ در نتیجه رفتارشان حاصل تصمیم و انتخاب آگاهانه‌ی خودشان و مبتنی بر ارزش‌هاست، نه ثمره‌ی اوضاع و شرایط.

اشخاص دارای مرکز کنترل بیرونی، معتقدند رفتارها یا مهارت‌های‌شان در تقویت‌هایی که دریافت می‌کنند، اثری ندارد و در کوشش برای بهبود موقعیت خود، فایده‌ای نمی‌بینند. آنان به امکان کنترل زندگی خود در زمان حال یا آینده، باور چندانی ندارند اما کسانی که دارای مرکز کنترل درونی هستند، معتقدند که کنترل کافی روی زندگی